

چند سکه از غوریان

الف- مختصری درباره تاریخ غور
سرزمین غور که بین هرات
و غزنی واقع است در سال ۲۲۵
هجری با پیشوای سایر هناتق آن
حدود زاکابل پتصرف یعقوب
لیث صفار (۲۵۴-۲۶۵ هجری)
که در آن زمان از طرف
عباسیان حکمران نیمروز بود
در آمد وهم او اولین امیر مسلمان
است که بکابل حاکمی مسلمان
فرستاده و در واقع راه فتح هند
را بر روی مسلمانان گشوده
است . ۱

از حدود سال ۲۵۰ هجری
خاک دانی بر غور حکومت داشتند
که در قیروز کوه در دست آنان
بود و پایتخت این خاک دان
محسوب میشد . اولین حاکم

نگارنده :

پیر غسلی اعظمی نگسری

مشهور این خاندان محمد سوری است که شجرة نسبت او را چنین ذکر کرده‌اند:

«محمد سوری بن امیر بنجی بن نهاران بن امیرپولاد بن شنسب»^۲

چون یعقوب لیث پیش از قیام بروض خلیفه عباسی، امارت آن نواحی را داشته؛ می‌شود فتیجه گرفت که محمد سوری از طرف او به حکومت غور منصوب بوده است. بعد از یعقوب خاندان سوری همچنان بحکومت غور برقرار و بنوی استقلال باقی بودند تا اینکه در سال ۴۰۱ هجری سلطان محمود غزنوی (۳۸۸-۴۲۱ هجری) پس از فتوحاتی در هندوستان بلاد غور را نیز که در این زمان محمد بن عباس سوری بر آن حکومت داشت و ادار به اطاعت خود کرد.^۳

فرزندان محمد سوری از طرف غزنویان بر فیروز کوه و بامیان حکومت داشتند. عزالدین حسین (بن قطب الدین حسن بن محمد) از طرف علاءالدوله مسعود ثالث (بن ابراهیم بن مسعود اول) غزنوی (۴۹۲-۵۰۸ هجری) در سال ۴۹۳ هجری بولایت غور منصوب شد^۴ و تا سال ۵۴۰ هجری در این مقام باقی بود. فرزند او بنام قطب الدین محمد در فیروز کوه بیجانشینی پدرنشست اما در سال ۵۴۵ هجری بدست داماد خود بیمهین الدوله بهرامشاه (بن مسعود ثالث) غزنوی (۵۱۲-۵۴۷ هجری) که از طرف سلطان سنجر سلجوقی (۵۱۱-۵۵۲ هجری) بر غزنی حکومت داشت هسموم گردید و وفات یافت.

برادر محمد بن نام سیف الدین سوری (۵۴۰-۴۳۵ هجری) بانتقام برخاست و غزنی را گرفت اما این پیروزی دیری نیائید و بهرامشاه غزنها مسترد داشت و سیف الدین سوری را دستگیر کرد و بقتل رسانید. برادر دیگر محمد بن نام علاء الدین حسین جهادسوز (۵۴۴-۵۵۶ هجری) بخونخواهی برادر خود در سال ۵۴۵ هجری به غزنی حمله بردو آن شهر زیبارا با آتش کشید و پس از کشتار

- معجم الانساب ۴۲۰

- طبقات سلطانی ۲۵۷ - معجم الانساب ۴۰

- معجم الانساب ۴۱۹ و ۴۲۱

مردم وغارت اموال آنها بغير باز گشت . علاءالدین حسین از سال ۵۴۵ تا
۵۴۷ هجری امیر سلطان سنجر سلجوقی بود و در بیع الثانی سال ۵۵۶ هجری
در هرات در گذشت و مرگ او همراه با استیلای قر کمانان غز و هرج و مرج
در خراسان وغور گردید .

از حمام ته ف زندان دیگر عن الدین حسین :

متصرف شد و برای اولین بار عموم هندیان به اسلام روی آوردند. معزالدین محمد در سال ۵۹۹ هجری به غور بازگشت و با خوارزمشاهیان در گیرشد و در سال ۶۰۲ هجری در جنگ با طایفه غکر بقتل رسید.^۷ در زمان سلطنت

دو - از معزالدین (شهاب الدین) محمد بن سام غوری ، فاتح هند سکه های پسرخ ذیل در دست است :

۱ - سکه طلا دو دیناری مذکور در شماره سپتامبر ۱۹۷۱ مجله's Seaby's
انگلستان تحت شماره G1336 که در غزنی ضرب شده و سکه نقره از
کلکسیون های جناب آقای دکتر نادر شرقی و اینجا نسب باین شرح :

روی سکه - لا اله الا الله - محمد رسول الله - الناصر لدین الله
امیر المؤمنین (خلیفه عباسی ۵۷۵-۶۲۲ هجری)

پشت سکه - السلطان الاعظم معزالدین والدین ابوالمظفر محمد بن سام ۱۲

(شکل ۱ و ۶)

گرچه این سکه تاریخ ندارد اما پرون روی آن ذکر غیاث الدین محمد
برادر بزر گتر نشده پیداست که در فاصله بین ۵۹۹ هجری تا ۶۰۲ هجری
ضرب شده است.

۲ - سکه مسی - روی سکه - السلطان الاعظم محمد بن سام
پشت سکه - سوار نیزه دار در حال حمله - چهره سوار و روی اسب بسوی
چپ است . (شکل ۲)

۳ - سکه مسی - روی سکه - السلطان الاعظم ابوالفتح محمد بن سلطان.
پشت سکه - گاو مقدس هند هزین به براق - روی بچپ
ابوالفتح نیزار القاب محمد بن سام است و حاکم از فتوحات وسیع است.

(شکل ۳)

از طرح سکه های ردیف ۲ و ۳ و پاره ای حروف هندی پشت سکه های پیداست
که در هند قبل از استقرار اسلام بوسیله معزالدین محمد بن سام ، ضرب شده
است . ۱۳

۱۲ - شماره سپتامبر ۷۱ مجله Seaby

۱۳ - کلکسیون های سکه جناب آقای دکتر نادر شرقی و نگارنده

۴ - سکه مسی - روی سکه - ابوالفتح محمد بن سلطان.

پشت سکه - السلطان الاعظم علاءالدین والدین.

این سکه بنام علاء الدین محمد بن شجاع الدین علی است و چون اودر
فاصله ۵۹۹-۶۰۲ هجری از طرف پسرعم خود معز الدین ابوالفتح محمد بن سلطان
(سام) حکومت غور را داشته است، باید در خود غور ضرب شده باشد. نکته
جالب توجه این است که علاء الدین در زمان حیات پسرعم خود اجازه داشته
است که خود را سلطان بنامد و شاید هم مقام ولیعهدی را داشته است (شکل ۴)

۵ - سکه مسی - روی سکه - السلطان الاعظم معزالدین والدین.

پشت سکه - عبده‌الملک المعظم تاج الدین والدین (شکل ۵)

تاج الدین والدین همان «بیلدز» یکی از چهار تن سردار ترک معزالدین
محمد بن سام است که پس از مرگش هم‌مالک مفتوحه او را بین خود تقسیم
کردند. اما بطوریکه ملاحظه می‌شود تاج الدین در زمان حیات سلطان،
خود را بنده و چاکر او «عبده» میدانسته است. همچنین از این سکه پیداست
که تاج الدین بیلدز در دوران سلطنت معزالدین محمد قصد استقلال داشته
چه اگر غیر از این می‌بود خود را «ملک معظم» نمی‌خواهد و اسم خود را بالقاب
در مقابل اسم سلطان قرار نمیداد.^{۱۴}

سکه‌های ردیف ۴ و ۵ که بسیار جالب و کمیاب است باید در فاصله بین ۵۹۹
۶۰۲ هجری در غزنه ضرب شده باشد.

سکه‌های ردیف ۶ و ۷ و ۸ در هجموئه مسکوکات نگارنده و جناب آقای
دکتر نادر شرقی است و از هر یک چند نمونه موجود می‌باشد.

منابع:

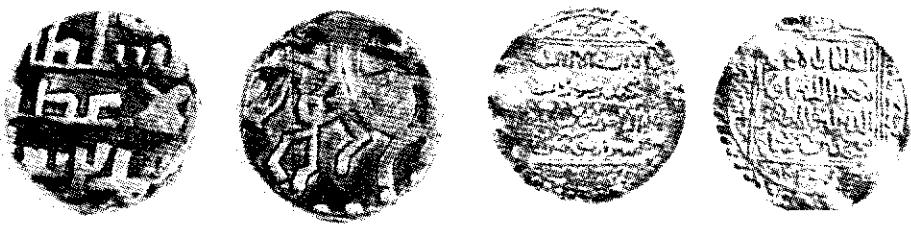
۱ - طبقات سلاطین اسلام تألیف استادیلی لین پول - ترجمه - عیاض اقبال

۲ - معجم الانساب والاسرات الحاکمه فی التاریخ الاسلامی للمستشرق زامباؤر

Seaby's Coin & Medal Bullerin - ۳

۴ - کلکسیون های سکه جناب آقای دکتر نادر شرقی و نگارنده

۱۴ - کلکسیون های سکه جناب آقای دکتر نادر شرقی و نگارنده



رو

بشت

رو

بشت

شکل ۳

- نزدیک از سکه محمد بن سام غوری -
- باسوار نیزه دار
- از مجموعه مسکوکات جناب آقای دکتر نادر شرقی

شکل ۱

عکس سکه طلای معزالدین ابوالظفر محمد
بن سام غوری از مجله Seaby

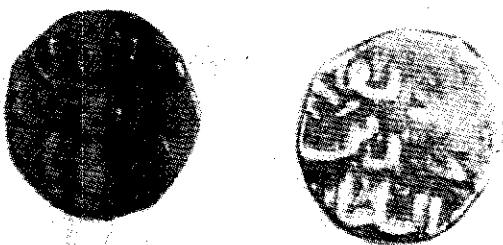


رو

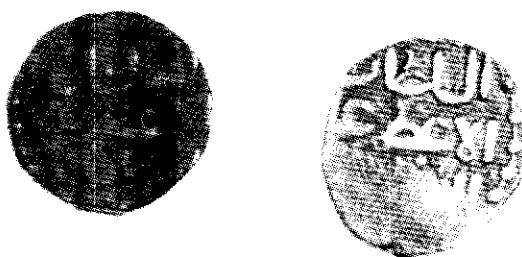
بشت

شکل ۴

- سه نمونه از سکه های محمد بن سام غوری با لقب ابراقتچ - یک روی سکه گاو هندی هند
- از مجموعه مسکوکات جناب آقای دکتر نادر شرقی



رو



پشت
شکل ۴

- نمونه از سکه های ابوالفتح محمد بن سام غوری که یک روی آن بنام پسرعم او علاء الدین محمد است
- از مجموعه مسکوکات جناب آقای دکتر نادر شرقی



پشت رو
شکل ۵

- سه نمونه از سکه های تاج الدین بیلدر از سرداران معزال الدین محمد بن سام غوری
- از مجموعه مسکوکات جناب آقای دکتر نادر شرقی



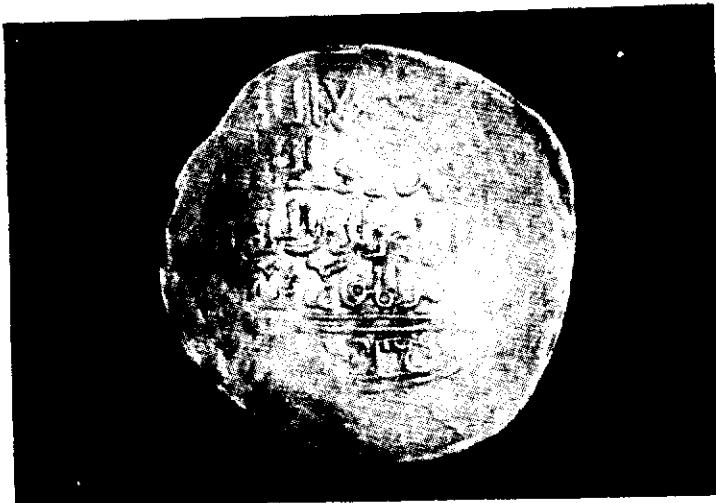
رو



پشت

شکل ۶

- نمونه‌ای از سکه نقره‌ای محمد بن سام خوری - عبارت روی و پشت این سکه عیناً مثل سکه طلای مذکور در مقاله است .
- از مجموعه مسکوکات جناب آفای دکتر نادر شرقی



رو



پشت

شکل ۷

- نمونه‌ای دیگر از سکه‌های نقره‌ای محمد بن سام غوری که عبارت روی و پشت آن عیناً مثل سکه طلای مذکور در مقاله است .
- از مجموعه مسکوکات جناب آقای دکتر نادر شرقی